

## نگارش آقای مهینی یزدی

ترجمه و اقتباس از «دفاتر بلژیکی علوم تربیتی»

## پرورش اخلاقی و اجتماعی کودکان

یکی از ممیزات فلسفه قرن بیستم اهمیت خاصی است که در آن بمباحث علم الاجتماع داده شده و در بسیاری از قضایای تاریخ و زبانشناسی و علوم قضائی و اقتصادی و علم النفس و علم الاخلاق، با استناد و مراجعه باحکام این علم، بیحس و تحقیق پرداخته گردیده است.

کمان می‌کنیم در اینجا، با مختصر تأملی، بتلازمیکه میان تکامل اخلاقیات و اجتماعیات موجود و متحقق می‌باشد و بی آنکه بیان تأثیرات متقابل حیات اخلاقی و حیات اجتماعی، که خود مبحثی است بسیار دلکش و مفصل، حاجتی باشد پی بتوانیم برد.

درینکه دسته ای از آثار و احکام اخلاقی بطور مستقیم از زندگانی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، امریست که هیچگاه دران تردید و مناقشه ای نشده است. و اما درینکه بخشی از یکدسته دیگر از اخلاقیات، که معمولاً آنها را در زیر عنوان تکالیف و ملکات اخلاقی یاد میکنند، و یا بنا بر عقیده بعضی از علمای اجتماع معاصر تمام آنها نیز از سرچشمه زندگانی اجتماعی بیرون می‌تراود، قولی است که جز درین اواخر کسی بدان توجهی نداشته و بران نرفته بوده است.

فرض کنیم که طفلی چون دنیا آمد فوراً پدر و مادر از او جدا شده یکه و تنها و بی آنکه با هیچکس حتی در یک لحظه کوچکترین تماسی پیدا بتواند کرد بخود رهاش کنند تا اینکه بدینسان بحدّ رشد و کمال برسد. آیا درینصورت همچو فردی را متّصف بهیچیک از ملکات اخلاقی میتوان دانست؟ بنا بر عقیده گروهی از اندیشمندان معاصر ظن غالب برینست که جواب این سؤال منفی باشد.

در هر حال، آنچه بیقین میتوان گفت آنست که وجود هیچگونه اجتماعی، چندانکه ساده و ابتدائی باشد، و حتی اجتماعات حیوانات، بیوجود یکدسته از مبادی و مبانی اخلاقی تحقق پذیر نمیتواند بود و حاصل آنکه کلیه افراد انسان ناچارند باینکه در اجتماعات خود، بهنگام رفتار و نشست و برخاست با یکدیگر، یک سلسله از قواعد اخلاقی را، که در واقع اساس تکامل انسانیت را تشکیل میدهد، مراعات نمایند هر چند خود آنها در آغاز امر بقواعد مزبور توجه و التفات نداشته و آنها را من حیث لایشر قبول کرده باشند.

این قواعد اضمااری و غیر استشعاری، برای اینکه در طی مجاهدات و مساعی جمعی، بافعالی که با آنها تنافی و تباین دارد و بنسبت تکامل قوای عاقله و ابتکار افراد بیشتر بروز و ظهور پیدا میکند، سروسامان و انضباطی داده شود، رفته رفته نسبت بآنها استشعار و التفات حاصل میگردد و بدینسان مرحله نخست حیات اخلاقی بسوی مرحله تازه ای، که همان استشعار و التفات بقواعد اخلاقی باشد، تطور پذیرفته بصورت قوانین، یعنی احکام کلی و ثابتی که متضمن الزام و مجازات نیز میباشند، بیرون میآید، و از این روست که این مرحله اخلاقی را مرحله قضائی نام میتوان نهاد. و باید دانست که در ایجاد احترام نسبت بقوانین و جلوگیری از تخلف از آنها سه عامل باهم جمع میکردند: یکی امیال فطری که بالضروره، هیچگاه از انسان زایل نتواند شد، و دیگر معرفت نسبت بقوانین و مهیا بودن افراد بمراعات آنها، و سوم اندیشه مجازات.

لیکن استشعار تام نسبت باحکام اخلاقی و بمفاهیمی چون مسئولیت و اراده و اختیار، جز در مرحله جدید تری که عالیترین مرحله اخلاقی است و آنرا بتعبیرهای مختلف مرحله اخلاقی محض و مرحله فعالیت اخلاقی و مرحله کمال مطلوب اخلاقی نام میتوان نهاد، صورت نمیگیرد. و درین مرحله است که از ارتباط و اختلاط حوزه های مختلف اجتماعی با یکدیگر یکنوع تعارضی در تکالیف اخلاقی پدید میآید و در افرادی که بحد کافی رشد و کمال اخلاقی یافته اند بفکر و رویت بیشتری در میزان ارزش احکام مختلف اخلاقی و استناد وربط احکام مزبور بعلمت و دلیل بالاتری

مؤدی میگردد و درینحال دیگر اینها سیرت اخلاقی خود را مستند و مربوط بدستوریکه برانها تحمیل گردیده باشد نمیکند، بلکه آنرا فرع بر اصلی قرار میدهند که از روی میل و اراده شخصی اختیارش کرده و بدان مقادیر ارجمند که از هر گونه اغراض و منافع و مصالح شخصی خالی باشد نسبت داده باشند.

وقتی تطوّر اخلاقی بحدی از کمال رسید که در آن نسبت بمفهوم اختیار استشعاری تام حاصل گردید و بدینسان وجدان اخلاقی بنحو کامل تحقق پیدا کرد، لامحاله افراد دیگر در مقام تخلف و تجاوز از قواعد عام و مشترک میان همه بر نخواهند آمد و بدانها تا آنجا که آنها را بروفق خیر و مصلحت مطلق تمیز دهند، اطاعت خواهند کرد.

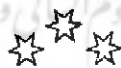
ازینجا میتوان پی برد باینکه مقام و اهمیت اجتماعی این مرحله سوم تا چه اندازه است. حق آنست که در صورتی بر انبوهی از افراد لفظ هیئت اجتماع را اطلاق میتوان کرد که يك کمال مطلوب و مطلوب کامل باعث و محرك افعال تمام افراد بوده باشد و باید دانست که اطاعت نسبت بقانون از طرف همه اعضاء کافی نیست زیرا هیچگاه مجموعه ای از قوانین، چندانکه کامل باشد، باز هم نمیتواند همه امور را پیش بینی و بر کلیه اوضاع و احوال و غایات و اغراض جزئی تطبیق پیدا کند، بلکه آنچه بحقیقت موصل باین مقصود میتواند بود همانا قبول يك کمال مطلوب مشترك و اذعان و تسلیم اختیاری و ارادی هر يك از افراد است بقواعد اخلاقی.

و اما حاجت بدین نیست که بسیاری از افراد باین مرحله از کمال لایق اخلاقی نایل نمیتوانند شد. و نباید تصور کرد که کلیه افراد بشر برای وصول باین مطلوب در يك جهت واحد و معینی بطور منظم سیر و سلوک مینمایند و نیز نباید تصور کرد که چون افراد انسان نسبت بقواعد اخلاقی استشعار و التفات تام حاصل کردند، از مرحله اول اخلاقی یکباره و یکسره خارج شده اند، زیرا حقیقت آنست که هیچگاه - و خوشبختی هم در همین است - نخستین غرایز و فطریات از بشر زایل نتواند شد و در صدور بعضی افعال از انسان جز صرف غرائز و فطریات منشاء دیگری در کار نمیباشد و افعال دیگر نیز - که باز هم خوشبختی در همین است - از انسان صادر میشود که جز نماینده صرف

اطاعت بقانون مشترك نمي‌باشد. چيزي كه هست، آنچه حاكي از بهترين قسمت حيات اخلاقي انسان و عاليترين و شريفترين مزاياي اوست، در واقع همان مرحله سوم اخلاقي است.



حاصل آنكه، اگر بخواهيم کودکان خود را عناصری شرافتمند و دارای مكارم اخلاقي بار آوريم، بايد همواره اهتمام ورزيم باینكه آنها را برای ورود در آخرین مرحله حيات اخلاقي و بالنتيجه باشتراك در حيات اجتماعي عاليتر و شريفتر و وصول بوجدان صريح تر و صائب تر و نیل بفضائل بهتر و بیشتری آماده و مهيا گردانيم. ممكن است اين پیشنهاد ما غير عملي بنظر آيد. ولی هر گاه بسير اخلاقي نوع انسان كه اكنون ما بدان اشارتی نموديم و هم بقانون معروف «تكون حياتي» كه بموجب آن کودکان در تطور خود مراحل و صور تطور نوعی را طی ميكنند و مربيان جديد از توجه بآن تاكون بسي بهره بر گرفته‌اند، بتحقيق نظر كنيم، درين صورت در تربيت اخلاقي و اجتماعي کودکان بگرايز و خاصه بگرايز نيرومندي كه نخستين قواعد اخلاقي اجتماعات انسانهاي ابتدائي از آنها سر چشمه ميگيرد و مهمترين آنها عبارتست از غريزه تقليد و غريزه جنسي و غريزه خانواده و غريزه اجتماع از هر چيز بهتر استناد و توسل ميتوانيم جست.



اهميت غريزه تقليد در پرورش اخلاقي روشن تر از آنست كه محتاج بتوضيح باشد. تأثير و نفوذ مربيان در کودکان خواهی نخواهی خیلی زياد است. معلم نميتواند و حق ندارد بگويد: من معلم حساب و تاريخ و جغرافيا و ... هستم نه اخلاق، و زندگانی خصوصي من ربطی بديگران و تأثیری در آنها ندارد. تقليد، از قوايست كه همه کودکان بران سخت مجبول و مفظور ميباشند و اين قوه، كه حتی از ان در مورد پرورش دستی و پيشه ای استفاده شايانی ميشود، محال است كه بتوان آنرا در زمينه پرورش اخلاقي و اجتماعي مورد غفلت و بی اعتنائی قرار داد. هر اندازه كه بكوشيم و بخواهيم كه بعضی از احوال درون خود را از انظار ديگران پوشيده داريم، باز خواهی نخواهی ظاهر ما عنوان باطن ما واقع خواهد شد و احوال مزبور از

راه افکار و افعال و اقوال و حرکات و سکانات ما تا حدی نمودار خواهند گردید و در دیگران و بویژه در کودکان تأثیر خود را خواهند بخشید.



از غرائزیکه خیلی زود در کودکان از کمون بیروز میگراید عبارت از غریزه اجتماع است و ازینروست که هر گاه در کودکان این غریزه را نیک مورد دقت و توجه قرار دهیم میتوانیم چندین مرحله را در پرورش آنها بسرعت در نوردیده آنگاه با موفقیت شایانی پرورش فضایل اجتماعی و مکارم اخلاقی آنها بیاغازیم.

بعقیده ما، برای آشنا شدن کودکان بقوانین اجتماعی و عادت یافتن آنها باطاعت قوانین مزبور، هیچراهی بهتر و آسانتر از بازیهای دسته جمعی نیست. و مخصوصاً هر گاه معلمین نیز با شاگردان در بازیهای دسته جمعی کمابیش شرکت جویند باز فواید اینکار بیشتر خواهد بود. و باید دانست که پرورش پیشاهنگی نیز، که در واقع اصول آن بروحیه کودکان و نوجوانان بسیار سازش و ملایمت دارد و متضمن عملیات است که در آماده کردن آنها برای زندگانی حقیقی آینده کمکهای گرانبھائی میتواند کرد، فواید فراوانی مترتب تواند بود، خاصه آنکه هر گاه یک نظر و نیت تربیتی صحیحی پیشوایان آنرا سائق بوده باشد. و همچنین است دستههای ورزشی که تا آنجا که در نوباگان و جوانان حس شرافت و ورزشی را ایجاد و تقویت کند، و بدون غرور و خود پسندی بیجا، درست و خوب بازی کردن و فاتح شدن دسته خود و حتی دسته مقابل خود را بستاید و بیشتر بارزش دسته ای تا بشخصیت فردی خود اعتبار و اهمیت گذارد، از لحاظ پرورش اخلاقی و اجتماعی متضمن فوایدی خواهد بود. چیزیکه هست همه اینها متضمن خطرهای نیز تواند بود و در واقع غلو در اهمیت دسته های مختلف باندازه خودخواهی محض زشت و ناروا خواهد بود. و نیز هیچ جایز نخواهد بود که فقط بخاطر پرورش کودکان آنها را بی تامل بدسته های مختلف رها نمائیم بلکه باید آنها را کمک و راهنمایی کنیم باینکه خودشان دسته مقتضی و مناسب را برای خود انتخاب نمایند و شك نیست که هر گاه از پیش آنها را بمصالح و مفاسد امور آشنا کرده باشیم درینصورت خودشان دسته مقتضی و مناسب را برای خویش انتخاب خواهند کرد ازینکه ما بازی را در تربیت اخلاقی و اجتماعی کودکان در درجه اول اهمیت قرار

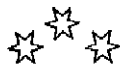
داده ایم هیچ عجب نباید کرد، زیرا حق آنست که ازین رهگذر خیلی بیش از آنکه معمولاً تصور میشود بهره‌میتوان گرفت. حس شرافت که مانند حس عدالت در بازیهایی دسته‌جمعی بسیار شدت میگیرد یکی از گرانبهارترین مکارم اخلاقی است و بجرأت میتوان گفت که بسیاری در پرورش چنانکه باید و شاید از آن استفاده نمیکنند و انگلیسیها خیلی زودتر و بیشتر از دیگران بدان اهمیت میگذارند و آنرا مورد استفاده قرار میدهند. چه بسا اتفاق میافتد که در انگلستان معلم اداره کلاس خود را بیک یا چند نفر از شاگردان واگذار کرده بآنها میگوید «من شما را بخود و شرافت خود واگذار نمودم» و آنها را بخودرها کرده از کلاس خارج میشود و تنها این جمله کافی است برای اینکه در غیاب معلم از شاگردان کوچکترین عدم انتظامی سر نزنند

باری باید در عین اینکه کود کانرا نوازش و نسبت بآنها ابراز محبت و مهربانی مینمائیم، بشخصیت آنها نیز احترام لازم بگذاریم و نسبت بآنها اظهار اطمینان و اعتماد کنیم نه اینکه آنها را چنانکه غالباً دیده میشود بهیچ چیز نگرفته بدیده استخفاف و بی‌اعتنائی بافکار و افعال و اقوال آنها نگاه کنم و در واقع نتیجه این طرز رفتار جز این نخواهد بود که کود کان نسبت بخود همواره بیشتر احساس پستی و زبونی و بیچارگی کرده بشخصیت آنها که در حال تکون میباشد لطمه بزرگی وارد آید

در روشهای جدید تربیت رشد شخصیت کود کان بطور واضح مورد توجه قرار گرفته است و ما را در اینجا حاجت بیان اهمیت آن در پرورش اخلاقی نخواهد بود. هر چیز که مودّی‌بیداری و تقویت ملکات اراده و ابتکار و سنجیت و حس مسئولیت در کود کان شود اساس پرورش اخلاقی را تشکیل میدهد و هر گاه ارزش و فضیلت اجتماعی این امور نیز بدرستی مورد ملاحظه و توجه واقع شود فواید حاصل از پرورش آنها دوچندان خواهد گردید. بیدار کردن حس مسئولیت اجتماعی و همچنین شرافت دسته‌ای در کود کان چندان اشکال ندارد، چونکه این دو حس هر دو مستقیماً از غریزه اجتماع سرچشمه میگیرند. پرورش ملکات خود فرمائی و اعتماد بنفس که امروز در بعضی از آموزشگاهها اهمیت خاصی بدان داده میشود، هم از جهت پرورش اخلاقی کود کان متضمن فواید گرانبهاست و هم از جهت پرورش اجتماعی و ازین رهگذر بشاگردان عملاً میتوان یاد داد که

هر کس باید برای همه کار کند و هیئت اجتماع بتعاون افراد سخت نیاز مند است و برای جلب اعتماد دیگران نسبت بخود رهبری و پیشوائی آنها واحراز مقامهای عالی نه تنها استعداد های انتقادی بلکه استعداد های مثبت و فعال و نافذ و خلاق و مبتکر لازم است و چندانکه کار و مقام مهمتر باشد بتشخص و اقتدار و لیاقت بیشتری احتیاج و همچنین مسئولیت بیشتری در کار مییابد و مسئولیت نیز خود با اختیار نسبت مستقیم دارد.

اینها عبارت از قواعدیست که از شناختن و بکار بستن آنها سودهای فراوانی بیک حیات اجتماعی هوشمندانه عاید تواند شد و این معنی در صورتی تحقق پیدا تواند کرد که کودکان بتوانند منشاء افعال و آثار کودکان خود واقع شوند و تجارب کودکان خود را رشد و نمو دهند. همه میدانیم که هر گونه آموزشی که مبتنی باشد بتسلیم تعبیدی بسنخنان دیگران یکسره و یا تقریباً بیحاصل میباشد زیرا در واقع جز آنچه خود حیات بما یاد دهد بدان علم و معرفت حقیقی پیدا نمی توانیم کرد. بنابراین باید بکوشیم تا حیات کودکان خودشان بدانها حقایق را یاد دهد و مثلاً بدانها اجازه دهیم تا در کاری که مربوط بسازمان کلاس است شرکت کنند و هر گاه شاگردان خودشان یکدیگر را برای انجام دادن وظایف بر گمارند خیلی بهتر خواهد بود تا اینکه دیگری بانتخاب آنها اقدام نماید. ولی باید بکودکان نشان داد که وظایفی که انجام دادن آنها بعهده آنها واگذار شده خالی از اهمیت و فایده نمیباشد. باید کودکانرا در اداره آموزشگاه بطور جدی و نه بشوخی شرکت داد و از هر جهت متوجه بود تا خلاف این معنی را احساس نکنند. و گرنه با آنها جز شوخی و بازی بیحاصلی کار دیگر نکرده ایم و خود نیز قهراً باین معنی پی خواهند برد.



از غرائزیکه در پیش نام آنها را یاد آور شدیم یکی غریزه جنسی و دیگری غریزه خانواده بود. این دو غریزه، که میتوان گفت در تربیت آنها تا کنون هیچ توجهی مبذول نگردیده است، میان آنها تلازم تامی بر قرار است و در پرورش اجتماعی دارای مقام و اهمیت خاصی میباشد.

نسبت بکودکان محبت و عطوفت داشتن و بشخصیت آنها احترام گذاردن و بتشکیل خانواده علاقه مند بودن و بهترین پاداش و خرسندی خود را در میان خانواده یافتن و آنرا از دل و جان دوست داشتن اینها از امور است که باید پرورشکاران در تمام دوره‌ای که پرورش کودکان بدانها سپرده شده است پرورش آنها را در نوباوگان و جبهه همت و خاصه در پرورش نوجوانان شغل شاغل خود قرار دهند.

هر چند در مورد دختران گاهی بلزوم و اهمیت این معانی تصدیق شده ولی حق آنست که هیچیک از آنها تا کنون چنانکه باید مورد تطبیق عملی واقع نشده است و جای آن دارد که این اندیشه در پرورش کدبانوگری دختران بیش ازینها رسوخ پیدا کند. گمان نرود که ما فن آشپزیرا بامملکات اخلاقی و اجتماعی میخواهیم اشتباه کنیم. مراد ما اینست که چه از طرف آنهایی که عهده دار پرورش کدبانوگری دختران هستند و چه از طرف آنهاییکه شانه را از زیر بار این وظیفه بطور تحقیر آمیزی که البته شایسته مقام آنها نیست خالی میکنند باید باین امر توجه بیشتری مبذول گردد و اهمیت تامی گذاشته شود. در پرورش کدبانوگری دختران باید آموزش بچه داری و فن پرورش خانوادگی نیز داخل گردد تا ازین رهگذر دختران بوظایف همسری و مادری خود بنحو کاملتر و مطلوبتری آماده و مهیا بتوانند گردید. و نیز باید این حقیقت بدختران فهمانده شود که رشته انتظام خانواده و از آنجا شاید هیئت اجتماع تا حد زیادی بدست زنها میباشد.

دیگر از چیزهاییکه تا کنون بدان عطف توجهی نشده است مسأله پرورش عواطف دختران میباشد. اشتباه نشود مقصود ما این نیست که باید دختران را در قلمرو احساسات قلبی و عواطف باز بیدشتتر سریع التاثر تربیت کرد بلکه بالعکس مراد ما اینست که باید آنها را در قلمرو مزبور متین تر و بیدارتر و هوشمندتر بار آورد و همچنین نباید جانب پرورش اراده و فکر و رویت و حس مسئولیت دختران نیز یگبار مهمل گذاشته شود.

دیگر از استعدادهاییکه در کودکان نه تنها بدان هیچ ترتیب اثری داده نمیشود بلکه سهل است اشتغالات سودجویانه ما رفته رفته سرچشمه آنها در آنها خشک



میگرداند حس فداکاری و ایثار نفس است و بعقیده ما علت این امر اینست که خودما کمتر درین اندیشه هستیم که حیات خود را بدین زیور گرانمایه و درخشان اخلاقی بیارائیم. حق آنست که غالب ما نسبت بحیات چنانکه شایسته است شوق و دل بستگی نداریم بلکه آنرا ناخواسته تحمل میکنیم و با اشتغالات شخصی و روزانه خود هر چه میتوانیم از ارزش و بها و جلوه آن میکاهیم.

چیز دیگری که در پرورش اخلاقی و اجتماعی کودکان دارای ارزش عظیمی می باشد کار و کوشش است. کودکان تنها بحکم اینکه حیات دارند موجوداتی میباشد فعال و بالذات محتاج باینکه منشاء آثار و افعال واقع شوند و از نیروست که مر بیان باید در تمام طول مدتی که پرورش کودکان بعهده آنها سپرده شده است کاری نکنند که آتش شوق نسبت باین فعالیت در دل آنها خاموش گردد و بالعکس باید باین آتش دامن زده شود تا اینکه چون بستنی رسیدند که ارزش اجتماعی کار را خودشان فهم کردند دیگر در شوق و علاقه آنها بکار احتیاجی بعوامل و دواعی خارجی نباشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### فرهنگ دیگران

#### آموزشگاههای کشور کلمبی

توسعه دامنه نقشه فرهنگ عمومی در کشور کلمبی ایجاد عده زیادی از آموزشگاههای شهری و روستائی را ایجاب کرده و در طی چهار سال اخیر ۴۸۸۳ آموزشگاه جدید (۲۴۳۹ در شهرها و ۲۴۴۴ در دیه ها) تأسیس گردیده است. این ارقام نسبت بعهده دبستانهایی که در ۱۹۳۴ وجود داشته نشان میدهد که شماره آموزشگاههای ابتدائی ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده.

« از کارنامه دفتر بین المللی تعلیم و تربیت »